

ایمان، امید و شک

لوئیس پوی من (دانشگاه کمبریج، انگلستان)

مردم متدین غالباً با مسأله شک در اظهارات ایمانی متدرج در ادیان خود روبرویند. اغلب باورهای گزاره ای شرط لازم و نه کافی برای رستگاری تلقی می شوند. این امر موجب اضطراب در شکاکان می شود و سبب پرسش از اهمیت باور در دین و بطور کلی در زندگی می شود. این پرسشی است که در فلسفه دین و کلام مسیحی فراموش شده است. در این مقاله رهیافت دیگری به ایمان عرضه می شود که به نظر نویسنده می تواند در صورت فقدان ایمان دینی بدیل کافی برای آن باشد. این رهیافت عبارت است از امید. نویسنده برداشتی از ایمان به عنوان امید ارایه می کند که بدیل تلقی مرسوم می است که باور گزاره های "خدا وجود دارد" را چنانکه قول پلنتینگا مستلزم آنست، شرط لازم ایمان می کند. به خاطر آنکه مطلب ساده باشد نویسنده تحلیل خود را به مهمترین گزاره در عقاید دینی غربی یعنی این گزاره که خدا وجود دارد، منحصر می نماید، اما این تحلیل را می توان در مورد دیگر گزاره های دینی هم بکار بست. نویسنده اطمینان ندارد که آیا این مباحث مناسبتی با تفکر اسلامی هم داشته باشد اما تصور می کند که این مقاله می تواند فتح باب مباحثه ای باشد در باره ایمان و شک میان فلسفه های اسلامی و مسیحی.

بختی در باره فلسفه دین

آری ل. ملندیک (دانشگاه گرونینگن، هلند)

این مقاله در صدد نشان دادن این نکته است که فلسفه دین بر خلاف اهداف گذشته نباید مثلاً دنبال هستی شناسی، معرفت شناسی و فلسفه زبان دینی باشد بلکه باید پدیدارهای دینی را در تمامیت خود از جمله ابعاد اجتماعی و عمومی لحاظ نماید. فلسفه اجتماعی قلمرو اصلی در این مرحله است. این مقاله تلاشی است برای در گیری در گفتگو با مباحث علمی که در مورد جایگاه دین در (بست) مدرنیته می اندیشند. این درست نیست که تنها حوزه ویژه و درست دین در دوران مدرنیته عبارتست از حوزه شخصی. ظهور حوزه عمومی از دوران روشنگری نیز فرصت های جدیدی به دین می دهد. فیلسوفان دین باید در مورد این گونه تغییر شکل ها تامل کنند.

براهین وجود شناختی و باور به خدا

جیمز کمپتن باکمیر (دانشگاه وبستر، آمریکا)

این مقاله به ارزیابی کتاب براهین وجود شناختی و باور به خدا نوشته گراهم اپی می پردازد. این کتاب مبسوط ترین کتاب در این موضوع است. او پس از درآمد تاریخی به این موضوع در غرب دسته بندی جامعی از موضوع انجام داده است و در ضمن از هر برهان صورتبندی و انتقاد کرده است. هر چند وی از موضع آگنوستیک و در بستر فلسفه تحلیلی به بحث پرداخته و نه فلسفه اسلامی اما برای خواننده مسلمان هم ارزشمند است.